

**دیدگاه اهل سنت درباره
مشاجرات و اختلافات میان
صحابه کرام رضی الله عنہم**

تألیف:

ابو انس السید بن عبد المقصود

دیدگاه اهل سنت درباره مشاجرات و اختلافات میان صحابه
کرام ﷺ

عنوان کتاب:

ابو انس السید بن عبد المقصود

تألیف:

مترجم:

تاریخ اسلام - اهل بیت، صحابه و تابعین

موضوع:

اول (دیجیتال)

نوبت انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

تاریخ انتشار:

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
پیشگفتار.....	۱
فصل: فضائل اصحاب رسول الله ﷺ.....	۳
فصل: اصحاب کرام ﷺ در اعتقاد اهل سنت.....	۱۱
فصل: اقوال اهل سنت در خودداری و امتناع از وارد شدن به اختلافات	
صحابه ﷺ.....	۱۵
نصیحتی ارزنده.....	۲۷

پیشگفتار

إن الحمد لله نحمده ونستغفره ونستهديه ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون ونصلي ونسلم على خير خلقه محمد وآله وصحبه أجمعين.

اما بعد:

متأسفانه در سال‌های اخیر ایراد و بدگویی از اصحاب رسول الله ﷺ از جانب رافضی‌های جدید افزایش یافته و بعضی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران هم با آنان همسو شده‌اند، و کار به جایی رسیده که شخصی مثل أسامه انور عکاشه در ملأ عام و روی بعضی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای به طعن و بدگویی از یاران پیامبران خدا ﷺ می‌پردازد.

در حقیقت این تهاجم ننگین بخشی از نقشه‌ای می‌باشد که جهت دور نمودن و فاصله گرفتن مسلمانان از اصحاب کرام ﷺ پی‌ریزی شده است. و علت چنین تهاجمی از قدیم معلوم بوده و بزرگ مردی همچون امام ابو زرعه رحمته الله پرده از روی آن برداشته آنگاه که می‌فرماید اگر کسی را دیدی که از اصحاب رسول اکرم ﷺ عیبجوئی می‌کند بدان که آن کس کافر و زندیق است که می‌خواهد سلف صالح این امت را لکه‌دار کند. و در واقع کلام امام ابو زرعه رحمته الله هدف کج اندیشان و گمراهان را روشن می‌کند که می‌خواهد از راه لعن و عیب جویی از جیل اولیه و پرورش یافته مدرسه وحی به اصل

شریعت مقدس اسلام عیب وارد کنند. آن را فاقد اعتبار و ناکارآمد برای این دور و زمانه جلوه دهند. چون توانایی آن را ندارند که مستقیماً به شریعت اسلام حمله‌ور شوند و به امید خدا هیچ‌گاه موفق نخواهند بود. و بدین خاطر این رساله را نوشتم و اسم آن را «كف العصابة عما شجر بين الصحابة» گذاشتم که موقف و آراء اهل سنت را در خصوص آن روشن نموده‌ام. از خداوند منان خواستارم که آن را در میزان حسناتم قرار دهد و عاقبت ما را ختم به خیر نماید.

فصل:

فضائل اصحاب رسول الله ﷺ

فضائل و حسنات اصحاب کرام ﷺ بحدی زیاد است که علماء و اندیشمندان اسلامی کتاب‌های قطوری را در مناقب آن‌ها برشته تحریر در آورده‌اند. هر چند مدح و ثناء اصحاب ﷺ در ضمن آیه‌های قرآن خود به تنهایی نشان افتخار و شایستگی آنان می‌باشد. خداوند متعال ایشان را در چندین جای قرآن توصیف می‌کند. و به ایشان وعده وارد شدن به بهشت را داده و رضایت و مغفرت خود را برای آنان در نظر گرفته است.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«پیشگامان نخستین مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خشنود است و ایشان هم از خدا خشنودند، و برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ».

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«خداوند توبه پیغمبر و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی از پیغمبر پیروی کردند بعد از آن که دل‌های دسته‌ای از آنان اندکی مانده بود (از حق به سوی باطل) منحرف شود (در این حال) باز هم خداوند توبه آنان را پذیرفت، چرا که او بسیار دوستدار و مهربان است.»

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّרَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد فرستاده خدا است. و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سر سخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند ایشان را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آنان همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است این توصیف آنان در تورات است. و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده و آن‌ها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد بگونه‌ای که بزرگران را به شگرف می‌آورد تا کافران را به سبب آنان

خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد».

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰].

«کسانی از شما که پیش از فتح مکه به سپاه اسلام کمک کرده‌اند و از اموال را خود بخشیده‌اند و (در راه خدا) جنگیده‌اند (با دیگران) برابر و یکسان نیستند آنان درجه و مقامشان فراتر و برتر از درجه و مقام کسانی است که بعد از فتح (مکه در راه اسلام) بذل و بخشش نموده‌اند و جنگیده‌اند. اما به هر حال خداوند به همه وعده پاداش نیکو می‌دهد و او آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید».

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [۸] وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [۹] وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۸-۱۰].

«همچنین غنایم از آن فقراي مهاجريني است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند، و خدا و پیغمبر را یاری می‌دهند اینان راستانند. آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آیین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در

دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند، به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند هر چند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاه داری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارند. کسانی که بعد از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگار ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی».

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۲].

«بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نموده‌اند و کسانی که پناه داده‌اند و یاری نموده‌اند برخی از آنان یاران برخی دیگرند و اما کسانی که ایمان آورده‌اند ولیکن مهاجرت ننموده‌اند ولایتی در برابر آنان ندارید تا آن گاه که مهاجرت می‌کنند، اگر به سبب دینشان از شما کمک و یاری خواستند کمک و یاری بر شما واجب است مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

و احادیث زیادی هم از پیامبر خدا ﷺ روایت شده که در آن‌ها مدح و توصیف اصحاب کرام ﷺ و دوری از سب و بدگویی آنان بصراحت آمده است.

پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ» قال عمران، فَلَا أَدْرِي أَذْكَرَ بَعْدَ قَرْنِهِ قَرْنَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً! پیغمبر خدا ﷺ فرمود، بهترین شما کسانی است که در قرن من و جزو اصحاب من است، بعد از اصحاب کسانی است که به دنبال ایشان می آیند و تابعین هستند و بعد از آنان تابع تابعین هستند، عمران بن حصین، می گوید نمی دانم پیغمبر ﷺ بعد از این آیا دو قرن یا سه قرن را ذکر نمود پیغمبر ﷺ می فرماید، «لَا يَدْخُلُ النَّارَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ، مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ، الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا»^۲ انشاء الله هیچ یک از کسانی که زیر درخت بیعت الرضوان با من بیعت نمود به آتش جهنم داخل نمی شوند.

و در حدیث دیگر می فرمایند: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ، ذَهَبًا مَا أَدْرَكَ مُدَّ أَحَدِهِمْ، وَلَا نَصِيفَهُ»^۳، «به اصحاب من دشنام و ناسزا نگویند چون در صورتی که هر کدام از شما به اندازه کوه احد طلا را (در راه خدا) انفاق کند ثوابش به اندازه مشتی یا نصف آنکه اصحاب (در راه خدا) می دهند نخواهد بود» چون آنان در حالی به پیامبر خدا ﷺ ایمان آوردند که کسی ایمان نداشت و در حالی ایشان را یاری دادند که مردم قصد جان وی را کرده بودند.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید، «لا تسبوا أصحاب محمد ج فلمقام أحدهم ساعة خير من عبادة أحدكم أربعين سنة» (و در روایت دیگر می فرماید)

۱- بخاری ۳۵۸/۵۱-۳۵۹ فضائل الصحابه (۳/۷) و مسلم از فضائل صحابه (۴/۱۹۶۴).

۲- رواه مسلم در فضائل الصحابه (۴/۱۹۴۲).

۳- رواه البخاری فی فضائل الصحابه (۲۱/۷) باز مسلم در فضائل الصحابه (۴/۱۹۶۷).

«خیر من عمل أحدکم عمره» به اصحاب محمد ﷺ ناسزا نگویید زیرا عبادت یک ساعت هر یک از آنان از عبادت چهل (۴۰) سال، (یا تمام عمرتان بهتر است).

رسول خدا ﷺ حب اصحاب را نشانه ایمان و بغض آن‌ها را نشانه نفاق معرفی نموده، می‌فرماید، «آیَةُ الْإِيمَانِ حُبُّ الْأَنْصَارِ، وَآیَةُ النِّفَاقِ بُغْضُ الْأَنْصَارِ»^۱ «محبت و احترام انصار، کسانی که پیغمبر ﷺ و مهاجرین را یاری دادند نشانه ایمان، و بغض از آن‌ها نشانه نفاق محسوب می‌شود.

و عن جابر ﷺ قال: «اسْتَعْفَرَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً»^۲ (جابر بن عبدالله ﷺ می‌فرماید پیغمبر خدا ﷺ ۲۵ بار برای من از خداوند متعال طلب غفران کرد.

رسول الله ﷺ بعد از فوت اصحاب هم برای آنان طلب رحمت و استغفار نمود، در حدیث عوف بن مالک آمده که به هنگام حاضر شدن پیامبر ﷺ بر جنازه یکی از اصحاب ﷺ برای وی دعاء خواند. و ما قسمتی از آن را یاد گرفتیم که می‌فرمود خدایا او را بیمارز و با او مهربان باش و عفو و مغفرت خودت را شامل حال وی قرار بده.^۳ بدنبال این احادیث و روایات که دال بر فضائل اصحاب است می‌توان نتیجه گرفت که افزون بر آن پیامبر خدا ﷺ برای آنان طلب مغفرت و رحمت کرده که این به نوبه خودش جایگاه رفیع

۱- امام احمد آن را در فضائل صحابه آورده (۱۵، ۲۰ ابن ماجه (۱۶۲) ابن ابی عاص در السنه (۱۰۴۰) با سند صحیح.

۲- بخاری (۶۲/۱) مسلم (۸۵/۱).

۳- ترمذی آن را روایت کرده و گفته حدیث حسن و صحیح ۳۸۵۳.

آنان را تثبیت می‌کند و شکی در آن نیست که پیغمبر خدا ﷺ مستجاب الدعاء هستند و دعاء ایشان نزد رب العالمین مورد قبول واقع می‌شود.

از (ام سلمه رضی الله عنها) نقل شده که می‌گوید: «ما هیچ گاه غباری که روی موهای ایشان افتاده بود را فراموش نخواهیم کرد در حالی که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: خدایا حقا که خیر و خوبی آخرت بهتر است، انصار و مهاجرین را بیامرز»^۱ از عبدالله بن سرجس رضی الله عنه روایت شده که می‌گوید. «پیغمبر خدا ﷺ را دیدم و با ایشان طعام خوردم و گفتم، خدا تو را ببخشد ای فرستاده خدا و ایشان فرمودند، خدا تو را هم ببخشد، عرض ایشان کردم که آیا برای شما استغفار کنم ایشان فرمودند آری و برای خود» سپس این آیه را تلاوت کرد.

﴿وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [محمد: ۱۹].

فصل:

اصحاب کرام علیهم السلام در اعتقاد اهل سنت

در این فصل به توفیق خدا چکیده‌ای از باور و اعتقاد اهل سنت را درباره اصحاب کرام علیهم السلام، کسانی که مایه فخر و مباهات این امت اسلامی می‌باشند بیان می‌کنیم. بعقیده ما اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله فاضل‌ترین و بهترین مردم بعد از ایشان می‌باشند. خداوند متعال آنان را برای مصاحبه و رفاقت پیغمبرش اختیار نمود تا در مدرسه وحی و در نزد خاتم پیامبران (علیهم الصلاة و السلام) شاگردانی پرورش یابند که گل سر سبد تاریخ بشریت شوند. و نزد هیچ کسی پوشیده و مخفی نیست که خداوند متعال جز افراد فاضل و بزرگوار، چه از لحاظ دینی و چه از لحاظ حسب و نسب، را برای مصاحبت فرستاده خود، اختیار نمی‌کند.

پس ما هم آنان را دوست می‌داریم و به آنان احترام می‌گذاریم اما در مورد هیچ کدام از اصحاب علیهم السلام نه افراط و نه تفریط و سهل انگاری را به عمل می‌آوریم. هر چند معتقدیم که بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر مقدم‌تر و بهترند برای نمونه خلفاء راشدین را به ترتیب که خلافت کرده‌اند باور داریم و هر کس در کل با اصحاب عداوت و کینه داشته باشد یا به آنان سب و ناسزا گوید. و یا افراط و غلو در مورد آن‌ها داشته باشد چنین کسی از دید ما مبعوض و منفور و دور از روح تعالیم دین مبین اسلام می‌باشد زیرا برای هر کدام از آن‌ها سابقه درخشان و حسناتی وجود دارد که جز انسان منکر و جاهل نمی‌تواند آن را انکار کند و در خصوص جنگ و جدالی که در بین آن‌ها بوقوع پیوسته توقف و آن را در بین مردم منتشر نمی‌کنیم زیرا آن را

حاصل اجتهاد طرفین می‌دانیم و هر کدام که اصابت کرده باشد دو اجر دارد، و در صورت خطاء فقط اجر تلاش و زحمت خود را می‌گیرد و افزون بر آن خداوند از آن‌ها بخوبی نام می‌برد و به سبب استقامت و مصائبی که در حیات داشته‌اند قلم عفو و مغفرت خود را روی گناهانشان کشیده و ما آن طور که خداوند ما را تعلیم نموده می‌گوییم.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

پس لازم است که برای آنان دعاء کنیم و زبان خود را در مورد آنچه در بین آنان رخ داده سالم نگه داریم همچنانکه شمشیر ما در نزاع و کشمکش بین آن‌ها مشارکت نداشته و سالم مانده است. و بایستی باور داشته باشیم طبق شهادت و فرموده پیغمبر ﷺ آنان بهترین مردم پس از پیامبران ﷺ و بهترین قرن‌ها بوده‌اند و یقین داریم کسانی که ضعف و اشتباهات آنان را بارز و بزرگ می‌نماید، جزو گمراهان و اهل بدعت می‌باشند زیرا باید فضائل و رفتارهای حسنه آن‌ها را بازگو، و مجالس خود را با مناقب و زندگانی پر خیرشان مزین نماییم و معتقدیم که حب و بغض ما به نسبت آن‌ها روی ایمان و عقیده ما تأثیرگذار بوده و تبعیت و دوست داشتنشان باعث تقرب به درگاه خداوند، و قهر و کینه از آنان موجب عذاب الهی می‌شود، از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را با اصحاب کرام محشور فرماید: و عذابش را شامل حال کسانی قرار دهد که با آنان عداوت و دشمنی دارند و یا آن‌ها را اذیت، و سب و ناسزا می‌گویند و یا حتی نسبت به آن‌ها کینه به دل

گرفته‌اند، خداوند آنان را هدایت فرماید تا اصحاب کرام رضی الله عنهم را همان طور که خداوند و پیغمبرش صلی الله علیه و آله آن‌ها را معرفی کرده‌اند بشناسد.

فصل:

اقوال اهل سنت در خودداری و امتناع از وارد شدن به

اختلافات صحابه رضی الله عنهم

در این بحث ما آراء و نظرات اهل سنت و جماعت را نسبت به خودداریشان از آنچه در بین اصحاب کرام رضی الله عنهم گذشته نقل می‌کنیم تا عقائد اهل سنت را بیشتر روشن کرده باشیم. امام شهاب بن خراش رضی الله عنه می‌گوید از صالحین و پیشینیان این امت شنیده‌ام که می‌گفتند اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را به شیوه‌ای در میان مردم و در مجالس خود ذکر کنید که دل مردم به آن‌ها الفت گیرد و ضعف و منازعه آن‌ها را بحث نکنید که مردم علیه آنان تحریک شوند^۱. ابراهیم بن آزر فقیه: می‌گوید: در مجلس امام احمد بن حنبل نشسته بودم مردی از ایشان درباره جریان حضرت علی رضی الله عنه و حضرت معاویه رضی الله عنه سوال کردند. امام احمد به وی جواب نداد. به ایشان گفته شد ای ابو عبدالله آن مرد از خانواده بنی هاشم است، سپس امام احمد این آیه را برای او قرائت کردند:

﴿يَلِكُ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۴].

و همچنین فرموده‌اند: دست ما به جریانات آن آلوده نگشته پس زبان خود را به آن آلوده نکنیم.^۱

مردی پیش امام ابو زرعه رحمته الله آمد و گفت من از معاویه تنفر دارم. ابو زرعه فرمود چرا، آن مرد در جواب گفت چون با علی بن ابی طالب رضی الله عنه جنگید. امام ابو زرعه فرمود پروردگار معاویه بسیار مهربان است و طرف مقابل وی که علی بن ابی طالب است مرد بسیار کریم است پس چرا تو در بین آن‌ها دخالت می‌کنی.^۲ امام ابو جعفر طحاوی رحمته الله می‌گوید ما اصحاب محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را دوست داریم و درباره هیچ یک از آنان غلو و زیاده روی را جائز نمی‌دانیم و خود را از هیچ یک از آن‌ها مبرا نمی‌سازیم، و هر کس که از آن‌ها بغض در دل داشته باشد و ستمکارانه درباره آنان سخن گوید از او نفرت داریم. ما درباره اصحاب رضی الله عنهم جز به خیر و نیکی بحث نمی‌کنیم و حب آن‌ها را ایمان و احسان، و بغض آن‌ها را کفر و نفاق می‌دانیم، و هر کس درباره آنان و ازواج طاهرات رسول الله صلی الله علیه و آله قول حسن داشته باشد و به نیکی از آنان یاد بکند او را از نفاق بدور می‌دانیم.^۳ امام ابن قدامه رحمته الله می‌گوید اقوال اصحاب کرام رضی الله عنهم و ذکر محاسن و اخلاقشان و طلب مغفرت برای آن‌ها، و ترحم و مهربانی با آن‌ها و خودداری از بزرگ نمایی، نزاع و کشمکش آنان و اعتقاد به افضلیت برخی از آن‌ها را سنت می‌دانم، چون خداوند متعال می‌فرماید:

۱- آداب شافعی و مناقبه (۳۱۴) امام شافعی برای تعلیق نوشته و گفته این کار زیبا است

زیر سکوت انسان از چیزی نیاز نیست صواب است.

۲- تاریخ دمشق ابن عساکر الفتح (۹۳/۳).

۳- شرح عقیده طحاوی ص ۴۹۳.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی
گرفتند ببخشای، و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ
گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ
رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ
السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ
فَأَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد ﷺ پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و]
با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی
خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره های شان
است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته ای
است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های
خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را
به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته
کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»

در ادامه سخنانش امام ابن قدامه رحمته الله علیه می فرماید خشنودی از زنان پاک
رسول الله ﷺ که امهات مؤمنین بحساب می آیند و از هر گونه سوء بدور

می‌باشند برای هر مسلمانی ضروری است^۱. شیخ الاسلام ابن تمیه رحمه الله می‌گوید سلامت قلب و زبان درباره اصحاب کرام^{علیهم‌السلام} جزو اصول اهل سنت و جماعت می‌باشند چون اهل سنت هر چه را که قرآن و سنت و یا اجماع در فضل و منزلت آنان بیان داشته‌اند قبول دارند و خود را از روش و عقیده روافض، کسانی که اصحاب رسول الله^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} را می‌بغضاند و یا آن‌ها را سب و دشنام می‌گویند مبرا می‌دانند و هم چنین از طریقه و رفتار کسانی که نواصب هستند و اهل بیت را با گفتار یا رفتار خود اذیت می‌کنند بیزارند، و در خصوص مشاجره بین اصحاب سکوت، و آثاری را که در این زمینه روایت شده بعضی را قبول و بعضی دیگر را مردود و کذب می‌دانند، ایشان را یا مجتهدانی می‌دانند که در راهشان اصابت کرده‌اند و یا بخطا رفته‌اند و در هر حال اجر اجتهاد دارند. و معتقد نیستند که آن‌ها معصوم و از هر گناه صغیر و کبیره بدور می‌باشند. بلکه می‌گویند جائز است باور داشته باشیم که آنان هم مرتکب گناه شده باشند، ولی چون سوابق درخشان و فضائل بسیار دارند خداوند آن‌ها را عفو می‌کند و یا آن‌ها را به مصیبتی در دنیا گرفتار می‌نماید که کفارهٔ سیئاتشان گردد. و یا حسناتی را که در این دنیا انجام می‌دهند گناهانشان را محو و نابود می‌کند آن هم بصورتی که برای هیچ کس دیگر در دنیا روی ندهد و ثابت گشته که پیغمبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرموده «انهم خیر القرون»^۲ (آن‌ها بهترین قرن‌ها می‌باشند) و یک مشت صدقه آنان نزد خداوند متعال بهتر است از اینکه دیگران به اندازه کوه احد طلا و زیورآلات

۱- لمعة الاعتقاد ص ۲۹.

۲- بخاری (۳۶۵۱) مسلم (۲۵۳) (۲۱۲) از طریق ابن مسعود^{رضی‌الله‌عنه} ابن حجر در مقدمه الاصابه (۱۳/۱) به تواتر آن تصریح کرده.

را صدقه کنند^۱. و هر گاه مرتکب گناه شده باشند و یا خطا و اشتباهاتی در زندگی آنان رخ داده باشد رب العالمین گناهانشان را بواسطه استغفارشان و یا شفاعت پیغمبر ﷺ و یا با توجه به حسنات و سوابقی که داشته‌اند می‌بخشد. و هر کس با دید انصاف و با چشمان باز به سیره و زندگی آنان بنگرد آنگاه یقین پیدا خواهد کرد که چقدر اعمال صالحه، و علوم نافع و تلاش و جهاد را در راه خدا داشته‌اند و اندک گناهی را که بعضی از آن‌ها مرتکب شده‌اند در صورتی که آن را در کنار این همه فضائل و محاسن قرار دهید چیز قابل ملاحظه‌ای نیست زیرا خداوند آنان را بهترین امت، و بهترین خلق بعد از پیامبران ﷺ معرفی کرده و آنان در میان تمام امتها و قرن‌ها برگزیده شده‌اند و دیگر قومی پیدا نخواهد شد که مانند اصحاب کرام ﷺ را به چنین اوصاف و امتیازاتی موصوف باشد که خدا و رسولش ﷺ در مورد آن‌ها بیان نموده‌اند.^۲

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته در ادامه سخنانش می‌فرماید ما معتقدیم که در خصوص نزاع و اختلافات که در بین آن‌ها موجود بوده باید مواظب خود باشیم و درباره آنان بقضاوت ننشینیم طرفی را عادل و طرف دیگر را ظالم معرفی نکنیم چون همچنانکه گفتیم آن‌ها مجتهدانی بودند که در نظرات و آرائشان یا اصابت نموده‌اند و یا بخطا رفته‌اند که در صورت اول دو اجر دارند و در صورت دوم یک اجر، هر چند بایستی باور داشت که بخشی از گفته‌ها و نوشته‌ها درباره حوادث و وقایع آن دوران دروغی بیش نیستند.^۳

۱- بخاری (۳۶۷۳) مسلم ۲۲۲/۲۵۴۱ از ابی سعید خدری رضی.

۲- العقیده الوسطیه ص ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲.

۳- الوصیه الکبری ص ۴۱.

علامه حافظ ذهبی رحمته می‌گوید: منهج ما، درباره اصحاب کرام رضی الله عنهم طلب مغفرت از خداوند برای آن‌ها و خودداری از مداخله و داوری کردن در خصوص جدال و منازعات آنان می‌باشد.^۱

وی می‌گوید: پناه بر خدا از اینکه بگوییم طرفداران زبیر رضی الله عنه یا لشکریان معاویه یا علی بن ابی طالب رضی الله عنه به جهنم داخل می‌شوند بلکه کارشان را به خداوند متعال حواله می‌کنیم و وظیفه ما محبت آنان و اینکه از خدا بخواهیم که گناه و اشتباهاتشان را به رحمت خویش عفو فرماید.^۲ و همچنین ذهبی می‌گوید: الحمدلله در زمان ما حق روشن، مآخذ و مصادر طرفین جریان مشخص شده‌اند پس باید میانه روانه آنان را دوست داشته باشیم و در مورد اهل بغی بایستی تأویلشان را با دید مهربانانه نگریست و گناه و خطاء آن‌ها را پیش خداوند آمرزیده تلقی کنیم. و هم چنانکه خداوند ما را تعلیم نموده بگوییم:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

و خشنودیم از کسانی مثل سعد بن ابی وقاص، و ابن عمر و محمد بن مسلمه و سعید بن زید و غیره که با هیچ یک از طرفین قضیه همکاری نکرده‌اند و خود را از خوارج کسانی که از دین خارج شدند و با علی بن ابی

۱- سیر اعلام النبلاء (۳۹/۱).

۲- همان مصدر (۳۹/۱).

طالب رضی الله عنه به جنگ برخاستند و هر دو گروه را تکفیر نمودند مبرا می‌دانیم، زیرا آنان قوانین دین را زیر پا گذاشتند و خود را هیزم آتش جهنم نمودند. ولی با این حال نمی‌توان با قاطعیت گفت که آنان تا ابد در دوزخ می‌مانند همچنانکه مشرکین و بت‌پرستان در آنجا خواهند ماند^۱. و در ادامه سخنانش علامه ذهبی رحمته الله می‌گوید: هیچ کدام از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را جز به خیر و نیکی یاد نمی‌کنیم و از آنان راضی و خشنودیم. و درباره، «معاویه و یارانش می‌گوییم آن‌ها گروهی از مؤمنین می‌باشند که در حق امام علی رضی الله عنه ظلم و تجاوز کرده‌اند آن هم با توجه به صراحت فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص، عمار که فرمود «تقتلک الفئه الباغیه» شما را ای عمار جماعتی ستمکار و باغی خواهند کشت، از خداوند متعال مسئلت داریم که از جمیع آنان راضی شود و ما را از کسانی قرار ندهد که نسبت به آنان حقد و کینه در دل دارند. و مشکلی در آن نیست که امام علی رضی الله عنه دارای فضیلتی بیشتر از کسانی است که با او جنگیده‌اند^۲. ایشان همچنین می‌گویند: در برابر برخی از اقوال و روایاتی که در خصوص جنگ و جدال اصحاب رضی الله عنهم و در لابلای کتاب‌های تاریخی و یا در دیوان شاعران ذکر شده و مدام از طرف گمراهان و دشمنان تبلیغ می‌شود سکوت را جائز نمی‌دانیم زیرا بسیاری از آن‌ها که امروز در دسترس می‌باشند یا منقطع یا ضعیف و یا دروغی بیش نیستند. پس لازم است که این‌ها را پاکسازی کرد و یا حتی قسمت‌هایی را نابود کرد تا همگی بر محبت اصحاب کرام رضی الله عنهم و خشنودی از آن‌ها متحد باشیم و چنین روایات و اقوالی را بایستی در اختیار متخصصین و دانشمندانی قرار داد که

۱- سیر اعلام النبلاء (۱۲۸/۳).

۲- سیر اعلام النبلاء (۲۱۰/۸).

توان تحلیل درست، و بدور از هر گونه هوای نفس و تعصب کورکورانه به مطالعه آن می‌پردازند و با توجه به سابقه درخشان، و فضائل بسیاری که اصحاب کرام[ؓ] دارند چنین اشخاصی همیشه بر ایشان طلب مغفرت و رأفت را از خداوند مسئلت دارند و هیچ گاه آنان را به خروج از دین و یا نفاق در اعتقادشان متهم نمی‌کنند. و ما از کسانی هم نیستیم که درباره اصحاب و از یکی از آن‌ها غلو و افراط داشته باشیم و ادعاء نمی‌کنیم که معصوم و از هر گناهی مبرا هستند، ولی آنچه را که روافض و اهل بدعت در کتاب‌های خود نقل نموده‌اند خیلی از آن‌ها را دروغ و باطل و افتراء می‌دانیم. زیرا از عادت و روش آنان است که اقوال باطله و دروغ را روایت می‌کنند و هر طور که امکان داشته باشند به رد روایات صحیح و اقوال درست می‌پردازند^۱. امام ابوبکر اسماعیلی درباره اعتقاد اهل سنت می‌گوید: اهل سنت و جماعت معتقدند که بایستی یادگیری و کسب علم را از جای خود اخذ کرد و در تعلیم و یادگیری علوم و تفسیر قرآن جدّیت بخرج داد و احادیث نبوی را استماع و جمع‌آوری کرد، و آثار و علوم اصحاب کرام[ؓ] را شناخت و آن‌ها را فهمید و از مداخله در نزاع و مشاجره بین آنان امتناع ورزید و حکمیت و داوری درباره آن‌ها را به خداوند^ﷻ محوال کرد^۲.

علامه سعد الدین تفتارانی می‌گوید: احترام و تعظیم اصحاب رسول الله^ﷺ و خودداری از سب و ناسزا نسبت به آنان و تأویل بعضی از افعالشان که باعث ظن و بدگویی به آنان می‌شود بویژه مهاجرین و انصار و اهل بیعت رضوان و کسانی که در جنگ‌های بدر و احد و حدیبه حضور داشته‌اند و

۱- همان مصدر (۹۳/۱۰، ۹۳، ۹۴).

۲- اعتقاد اهل سنت ص ۵۹، ۶۰ ابوبکر اسماعیلی[ؓ]

آیات و احادیث زیاد و اجماع مسلمانان بر فضائل و علو مرتبه و منزلت آن‌ها دلالت دارند را واجب می‌دانیم.^۱

عبدالله بن سوار قاضی بصره که متوفی به سال ۲۲۸ هجری می‌باشد می‌گوید:

نزد ما خلفای راشدین اولویت دارند و بعداً تمام اصحاب رضی الله عنهم را دوست داریم و از سوء نیت و طعن درباره آنان خودداری می‌کنیم.^۲ امام شافعی رحمته الله خطاب به، ربیع شاگردش می‌فرماید: سه چیز را از من یاد بگیر یکی اینکه درباره‌ی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله مداخله نکنید چون طرف تو در قیامت شخص پیغمبر صلی الله علیه و آله خواهد بود. خود را به علم کلام مشغول مکن زیرا من چیزهای عجیبی را در آن یافتم وقت خودت را به علم نجوم مگیر زیرا به بطالت و بن بست منتهی می‌شود.^۳ سفیان ثوری رحمته الله می‌گوید: به سلف صالح این امت سب و ناسزا نگوید تا به سلامت داخل بهشت شوید.^۴ علامه سفارینی رحمته الله می‌گوید: از دخالت بیجا در خصوص جریانات میان اصحاب رضی الله عنهم که منشاء آن اجتهاد طرفین بوده و دخالت تو خلاف حقایقی است که خدا و رسولش درباره‌ی آنان بیان فرموده امتناع کن، زیرا اهل حق و اجماع اتفاق نظر دارند در اینکه عدالت صحابه ثابت گشته و شهادت و روایات آنان مقبول می‌باشد و به این خاطر استادان و علمای ما مثل بقیه اهل سنت که یکی از آنان ابن حمدان می‌باشد در نهایه المبتدئین اینگونه گفته‌اند: محبت جمیع

۱- شرح المقاصد (۳۰۳/۵) الوسی در صب العذاب آن را نقل کرده ص ۳۹۵-۳۹۶.

۲- تهذیب التهذیب (۲۴۸/۵) ابن ۲-حجر).

۳- توالی التأسیس ص ۷۳ سیر اعلام النبلاء ۲۸/۱۰.

۴- شرح الابانه الکبری ابن بطه ص ۲۵۷.

اصحاب کرام و خودداری از دخالت درباره‌ی مشاجرات آنان به هر شیوه ممکن واجب است، و اگر حسنات و فضائل آن‌ها و خشنودی و علاقه به آنان و همچنین معذور دانستنشان در کارهایی که انجام داده‌اند و منشأ آن اجتهادی بوده که موجب کفر نیست، بلکه چون اجتهاد کرده‌اند در برابر آن ثوابت هم خواهند داشت. به دنبال این سخنان ابن حمدان گوید: آن کس که در اجتهادش اصابت نموده علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌باشد و کسانی که با او جنگیدند اشتباه کردند، پس برای آنان طلب مغفرت می‌کنیم. همچنین علامه سفارینی گوید: چیزی که اهل سنت و جماعت بر آن اجماع کرده‌اند و اتفاق نظر دارند واجب دانستن مدح و احترام همه اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و متقی و عادل بودن آنان و امتناع از طعن دشنام دادن به آنان می‌باشد.^۱ شیخ عدی بن مسافر رحمته الله در بیان معتقدات اهل سنت می‌گوید. معتقد اهل سنت خودداری از ذکر جنگ و منازعات اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و انتشار محاسن و فضائل آنان است و به حقیقت خداوند متعال آنان را عفو کرده و جریان جنگ و جدال آن‌ها را به پیامبرش صلی الله علیه و آله خبر داده است.^۲ علامه حافظ ابن حجر رحمته الله فرموده: اهل سنت و جماعت اتفاق نظر دارند بر عدم طعن و سب هر یک از اصحاب کرام رضی الله عنهم بسبب وقایع و رخدادهای آنان هر چند که اصحاب حق مشخص شده باشد زیرا اجتهاد هر کدام از طرفین بوده و خداوند متعال نیز آنان را آمرزیده است.^۳

۱- لوامع الانوار البهیه (۲/۳۸۵-۳۸۹ با تصرف و السنه) (۲/۵۳۶-۵۹۲ عبد الله بن احمد).

۲- اعتقاد اهل سنه و جماعت ص ۳۸ شیخ عدی بن مسافر تحقیق حمدی سلفی.

۳- فتح الباری (۳۷/۱۳).

در ترجمه ابن الداعی آمده که حافظ ذهب رحمته به نقل از ابو علی تنوخی و نیز به نقل از ابو الحسن بن ارزق می‌گوید: در خدمت امام عبدالله ابن الداعی بودم که ابو الحسن معتزلی از ایشان درباره طلحه و زبیر سوال کرد. ابن الداعی گفت معتقدم که هر دوی آنان از اهل بهشتند. ابو الحسن معتزلی گفت دلیل شما چیست، ابن الداعی گفت روایت شده که آنان توبه و استغفار نموده‌اند. و دلیل قوی من این است که خداوند به آنان وعده بهشت داده. ابو الحسن گفت: پس انکار نمی‌کنید در صورتی که کسی بگوید رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده هر دوی آنان از اهل بهشتند اگر از دنیا چشم فرو بستند به بهشت می‌روند ایشان می‌گویند با توجه به اینکه مسلمانان این مزده پیامبر صلی الله علیه و آله را تا به امروز نقل کرده‌اند که می‌فرماید آن‌ها جزو عشره مبشره‌اند پس واجب است که رفتار و کردارشان به هنگامی که بسوی خدا باز خواهند گشت موافق مزده و بشارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد در پایان، شخص معتزلی از ابن الداعی تشکر کرد و قول وی را زیبا و بر حق دانست. در نتیجه محال است کسی که نظرش درباره طلحه و زبیر رحمتهما این گونه باشد نسبت به ابوبکر و عمر رحمتهما سوء نیت داشته باشد زیرا آن‌ها نیز جزو عشره مبشره به بهشت می‌باشند.^۱

نصیحتی ارزنده

با توجه به اینکه دین ما بوسیله اسناد و مدارک صحیح و بر دوش علماء و بزرگ مردان این امت حمل شده و از آخرین فرستاده خدا یعنی خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ به ما رسیده و این خود مزیت و امتیازی است که سایر ادیان و امت‌های گذشته فاقد آن بوده‌اند و آنان در نتیجه فقدان چنین امتیازی دین خود را تحریف و تغییر داده‌اند و به پیامبران و صالحین خود چیزهایی را نسبت داده‌اند که هرگز آنان چنین چیزی را نگفته‌اند و بلکه به صاحب زمین و آسمان نسبت‌های ناروایی داده‌اند که خداوند سبحان هیچ گاه آن را نفرموده است، با ملاحظه چنین چیزی اهمیت و ارزش شناخت اسناد، و روایات معلوم می‌شود. خداوند «ابن المبارک» را بیامرزد که می‌فرمود: اسناد، و شناخت آن نزد من جزئی از دین محسوب می‌شود زیرا اگر اسناد نبود، هر کس هر چه را که دلش می‌خواست می‌گفت^۱. پس برای اثبات وقایع و رخدادها اعتماد بر روایت صحیح و محکم لازم و ضروری می‌باشد زیرا برخی افراد که نیت‌های سوء داشته‌اند سعی نموده‌اند که این دین را با مخلوط کردن احادیث دروغ و موضوع و اسرائیلیات و نسبت دادنش به رسول گرامی ﷺ و اصحابش رضی الله عنهم خدشه دار کنند، و متأسفانه بعد از آنان کسانی دیگر ناآگاهانه آن‌ها را انتشار و حتی به آن افزوده‌اند، ولی خداوند متعال برای این دین تمییز دهنده‌گانی از منتقدین و علماء بزرگ امت اسلامی را مسخر نمود، آنانی که وقت خود و حتی سرمایه و جانشان را

برای دفاع از دین اسلام و رسول الله ﷺ و یارانش فدا نمودند و روایات باطل و دروغی را که به پاکی و فضائل اصحاب کرام ﷺ آسیب وارد می‌کرد کشف کردند. نصیحت من برای هر کس که طالب حق می‌باشد، این است که سعی کند در حد امکان و توانایی خودش روایات را اثبات و به درجه صحت برساند آنگاه به آن استناد کند. زیرا چهره تاریخ اسلام بواسطه چنین مرویات باطله و کذب، که به اصحاب کرام ﷺ نسبت داده شده‌اند، و هدفشان لکه‌دار کردن سیمای آنان بوده مقداری غبار آلود گشته، و مدام دشمنان اسلام از مستشرقین و دیگران تلاش نموده‌اند که از طریق نوشته‌های خود یا بوسیله کسانی که زیر دست خود تعلیم و تربیت شده‌اند این گونه اخبار و روایات باطله را پخش و منتشر می‌کنند.

و حتی می‌شنوید که نام اسلامی را بر خود گذاشته‌اند و در ترویج مقاله و کتاب‌های گمراه‌کننده که به پیشینیان صالح این امت، طعن و بدگویی و بی‌احترامی روا می‌دارند کوتاهی نمی‌کنند. در واقع آنان، رافضی‌های جدیدی هستند که می‌خواهند هر فضل و کرامتی را از اصحاب رسول الله ﷺ که به مانند مشعل‌های فروزانی می‌باشند خاموش نمایند. اما خداوند منان بوسیله علماء و دلسوزان این دین، سد راه آنان خواهد شد. از جمله این کتاب‌های بی‌ارزش که به اصحاب ﷺ طعن می‌زند، کتاب «محمود ابی ربه» به نام «اضواء علی السنه» که نویسنده این کتاب بیشتر به ابو هریره ﷺ حمله‌ور می‌شود و افزون بر آن ده‌ها حدیث صحیح را رد و به باد انتقاد می‌گیرد. و کتاب «الفتنه الکبری» و «علی و پسرانش» که نویسنده آن‌ها «طه حسین» است و بصورت عامل مستشرقین در بلاد عربی در آمده، و نوشته‌های خاورشناسانی مثل «مرگلیو و گولدتسهریر» و غیره که هیچ گونه ورع و اعتقادی ندارند را، ترجمه و رد و بدل می‌کنند. پس اولاً بر ما

واجب است که یکدیگر را نصیحت و سفارش به حق کنیم که از خواندن و مطالعه این گونه کتاب‌ها خودداری نماییم زیرا مطالعه آن‌ها انسان را قسی‌القلب و کینه‌توز می‌کند. آن هم به نسبت اصحاب رسول الله ﷺ. و هر کس که بخواهد این کتاب‌ها را مطالعه کند. بایستی باور استوار و محکمی داشته باشد و این نوع مطالعه برای هر کس میسر نمی‌شود جز برای شخصی که بتواند شبهاتشان را رد، و اشتباهاتشان را اصلاح، و نقشه‌هایشان را بر ملا نماید و مردم را از خواندن آن‌ها بر حذر دارد و زیاد اتفاق افتاده که یکی از علماء به مطالعه کتاب جدیدی پرداخته و مملو از بخش‌هایی بوده که اصحاب کرام ﷺ طعن و ناسزا گفته ولی وی آن را مخفیانه قرائت نموده و اجازه نداده که در میان مردم منتشر بشود. تا به محبت و جایگاه یاران پیامبران ﷺ خدشه وارد نشود. فرموده علامه ذهبی رحمته بسیار ارزشمند بود که فرمود: مدام در دیوان شعرا و کتاب‌های امروزی و از طرف عاملین بیگانه جنگ و جدال و مشاجرات اصحاب کرام ﷺ به گوش ما می‌رسد ولی اکثر نوشته‌ها دروغ یا ضعیف و یا منقطع می‌باشند و آنچه امروزه موجود است و مورد مطالعه و استفاده قرار می‌گیرد بایستی آن را پاکسازی و حتی برخی را معدوم نمود تا غبار حقد و کینه بر روی دل‌های ما ننشیند و بر خشنودی و محبت یاران رسول الله ﷺ با هم متحد باشیم و عقیده ما به شکلی باشد که خداوند به ما یاد داده آنجا که می‌فرماید:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

و آنان یعنی اصحاب رسول الله ﷺ دارای سوابق درخشان و فضائل ارزنده‌ای هستند که در واقع هر کدامشان مکفر و پاک کننده اشتباهات و اخطاء آنها می‌باشند. علامه ذهبی در ادامه سخنانش و در ضمن بحث طولانی می‌گوید: آنچه را روافض و اهل بدعت در کتاب‌هایشان در خصوص نزاع و مشاجراتشان و طعن و بدگویی به صحابه نقل کرده‌اند در کل بی‌ارزش، و باطل و کذب محض می‌باشند، و داب رافضی‌ها روایت اباطیل و اراجیف و، رد آنچه را که در صحاح و مسانید آمده است می‌باشد^۱. سپس ایشان می‌گویند: عاقل کسی است که با نفس خود به مبارزه برخیزد، و از زیبایی‌های اخلاق اسلامی است که انسان چیزی را که هدفش نیست ترک کند^۲. در پایان می‌توان از کلام علامه ذهبی این نکات را برداشت نمود.

۱- نزاع و مشاجرات اصحاب کرام ﷺ در میان مردم پخش و منتشر نشود.

۲- مخفی نگاه داشتن آن بر مردم و برخی از علماء.

۳- به معدوداً افرادی اجازه مطالعه داده شود که انصاف دارند و بدور از هر گونه تعصب و کینه‌توزی و در نهایت احترام و استغفار برای صحابه به مطالعه آنها خواهند پرداخت.

۴- عدم اعتماد و اعتبار مطالبی که در کتب اهل بدعت و روافض در این باره آمده است.

۵- اکثر مطالبی که در مورد مشاجره اصحاب کرام ﷺ آمده است دروغ و بدون سند می‌باشند.

۱- السیر (۹۳/۱۰-۹۴).

۲- همان مصدر.

۶- لازم است که بعضی از این روایت‌های باطله و دروغ را نابود کرد زیرا از جمله علمی هستند که نشر آن‌ها حرام می‌باشد.

و علامه ذهبی رحمته الله در جای دیگری می‌فرماید: از جمله علمی که پخش و نشر آن حرام است. داستان‌های باطله و روایات منکره و همچنین علوم و الهیات فلاسفه^۱، و سحر و سیمیا^۲ و شعبده بازی و حیل و پخش احادیث موضوع و سرگذشت پهلوانان و رسائل اخوان الصفاء^۳ و اشعاری که در آن‌ها مخالفتی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دیده می‌شود می‌باشند. در واقع علوم بیهوده و باطل فراوانند و هر کس که بخواهد برای آزمایش و شناخت، آن‌ها را مطالعه و مورد بررسی قرار دهد بایستی کمترین وقت خود را به آنان مشغول دارد و از خداوند متعال طلب مغفرت و آمرزش داشته باشد و هر گونه نفع و ضرر خود را از خدا و دعا و نیایش و فریاد رسی را برای ذات احدیت منحصر نماید^۴. شهاب بن خراش رحمته الله سخن زیبایی را در این زمینه بیان داشته که می‌فرماید از سلف صالح این امت یاد گرفته‌ام که گفته‌اند در مجالس خود اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را طوری نام ببرید و مناقب و فضائلشان را بحث کنید که دل‌ها به ایشان علاقمند شوند. نزاع و اختلافات آنان را بزرگ نکنید که مردم بر علیه، و ضد آنان تحریک شوند^۵. و بسیار جای تعجب است از جرات و جسارت کسانی که درباره اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله هر طور دلشان بخواهد

۱- مانند علم کلام که سلف از آن خودداری می‌کردند.

۲- بخش از سحر یا شاید حيله و مکر باطلی بوده.

۳- مجموعه نوشته‌های است که از ملت‌های متنوع گرفته شد که مخالفات بسیاری در آن دیده می‌شود.

۴- مبر اعلام النبلاء (۶۰۴/۱۰).

۵- در سیره وارد شد (۲۸۵/۸).

قلم خود را رها می‌گذارند و زبانشان آزاد و بدون علم و معرفت سخن می‌گویند. و برازنده این اشخاص است که این ضرب المثل معروف را بگویم «لیس بعُشک فادرُج إلی خُشک»^۱ درود خدا بر آن کس که گفت: من مردی هستم که در برابر کسی که به دینم طعن و بدگویی زند ملایم نیستم، و بر اسلام هم هیچ گونه طعن و بدگویی را روا نمی‌دانم، نه به ابوبکر و نه به عمر^{رضی الله عنهما} سب و ناسزا نمی‌گوییم، و پناه بر خدا به عثمان بن عفان نیر دشنامگو نیستم، و تا روزی که می‌میرم و کفن می‌پوشم به پسر عموی پیغمبر^{صلی الله علیه و آله} نیز ناسزا نمی‌گوییم، و همچنین نسبت به خواری رسول الله^{صلی الله علیه و آله} زبیر بن عوام و به طلحه مهربان خواهم بود.^۲ در واقع سلف و گذشتگان ما هر کس را که به اصحاب کرام^{رضی الله عنهم} دشنام و ناسزا می‌گفت از مجلس خود بیرون می‌کردند. در زندگی نامه سلام بن سلیم حنفی که مکنی به ابو الاحوص می‌باشد و العجلی او را موثق و معتبر و تابع سنت خوانده آمده است که: هر گاه بیت او مملو از اصحاب حدیث می‌شد به پسرش احوص دستور می‌داد که در میان حاضرین هر کس به اصحاب رسول الله^{صلی الله علیه و آله} شتم و ناسزا گفت وی را از اینجا اخراج کنید.^۳ و حتی امام مالک^{رحمته الله} فتوا داد که مسلمان باید از شهری که اصحاب کرام را طعن و ناسزا می‌گویند هجرت کند.^۴

۱- یعنی این لانه تو نیست به جای خود بازگرد و داخل شو - ضرب المثلی است که به کسی گفته می‌شود که به چیزی فتوا داده که درست نبود و غیره.

۲- از اشعار عبدالله بن المبارک، در سر آمده ۴۱۳-۴۱۴.

۳- السیر ۲۸۲/۸.

۴- ابن حجر، فتح الباری، کتاب الفتن.

می‌گوییم پناه بر خدا اگر امام مالک مردم این دور و زمانه را میدید که بعضی‌ها به خالق آسمان و زمین ناسزا می‌گویند چه می‌گفت. شیخ خرقی رحمته صاحب «المختصر» که ابن قدامه آن را شرح نموده از شهر بغداد که مسکن وی بود هجرت کرد. زیرا شنیده بود در آنجا کسانی هستند که به اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله دشنام می‌گویند^۱. و علماء اسلامی مردم را از روایت و نقل قول کسانی که نسبت به اصحاب کرام علیهم السلام بی‌احترامی کرده‌اند بر حذر داشته‌اند: امام مسلم در مقدمه کتابش با سند صحیح ذکر می‌کند که عبدالله بن المبارک روزی بالای منبر رفت و فرمود از روایت و نقل احادیث عمرو بن ثابت دوری کنید زیرا وی به اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله سب و ناسزا گفته است^۲. و عجب زیبا است قول امام ابو زرعه رحمته که فرمود هر گاه کسی را دیدید که به یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله طعن و ناسزا می‌گفت بدان که او زندیق می‌باشد^۳.

۱- خرقی عمر بن الحسین رحمته، ابن کثیر در البدایه و النهایه از وی نقل سخن کرده (۲۹۸/۶).

۲- روایت مسلم رقم ۳۲.

۳- خطیب بغدادی با سند خودش در الکفایه روایت کرده ص ۴۹.